

روزنامه شرق

نگاه

عرفات نماد هویت فلسطینی‌ها

حافظ البرغوثی

یازدهم نوامبر سالگرد شهادت یاسر عرفات بود؛ فردی که زنده و مرده‌اش برای دنیا مهم بود و هنوز هم شرایط مرگش دارای ابهامات زیادی است. کسانی که او را کشتند با دقتی عالی برنامه‌ریزی کرده بودند به گونه‌ای که هیچ ردپایی از خود برجای نگذارند. شرایط بین‌المللی نیز به این موضوع کمک کرد تا معلوم نشود چه مسائل سیاسی‌ای پشت این قضیه بود. تا روشن نشود چه کسی ترور عرفات را برنامه‌ریزی کرد، چه کسانی آن را اجرا و چه کسان دیگری آن را پنهان کردند.

هرساله یادبود عرفات به دلیل وخیم‌ترشدن شرایط فلسطینی‌ها، بدون راهپیمایی‌های مردمی برگزار می‌شود. فقط موزه‌ای در کنار مرقدهش برای او ساخته‌اند که برخی از وسایل او را در خود جای داده است. چون بخش بزرگی از وسایل او در غزه ناپدید شد؛ زمانی که حماس مقر و خانه او را تصاحب کرد. بخش دیگری هم که در رام‌الله بود در پی آن حالت آشوب و هرج‌ومرجی که بعد از شهادتش به وجود آمد، ناپدید شد. درحال حاضر دکتر ناصر القدوه، پسر خواهرش، تلاش می‌کند بقایای آثار او را در این موزه جمع‌آوری کند.

عرفات زندگی پرحرکت و پرتشنجی داشت. خودش را همان‌طور که می‌گفت، یک «جانور سیاسی» توصیف می‌کرد. شبانه‌روز مجبور به کار و رفت‌وآمد از اینجا به آنجا بود. گاه در یک روز به دلیل اجبار به سه کشور سر می‌زد. مثل زمانی که همراه جمال عبدالناصر برای اولین‌بار به مسکو سفر کرد تا به شوروی‌ها معرفی شود. عرفات از دوران جوانی، خودش را یک رهبر می‌دید و در دانشگاه نیز مانند رهبر جوانان فلسطینی عمل می‌کرد. با دوستانش انجمن فلسطینی‌ها را در قاهره تأسیس کرد.

عرفات در ابتدای کار «اخوانی» بود کمالینکه اکثر رفقایش هر کدام دارای گرایش سیاسی متفاوتی بودند اما هنگامی که تصمیم گرفتند جنبش فتح را تشکیل دهند، ارتباطات حزبی خود را قطع کردند، زیرا فتح یک جنبش آزادی‌بخش ملی بود که از هرکس به مبارزه مسلحانه اعتقاد داشت، استقبال می‌کرد. ازهمین‌رو فاروق قدمی بعثی، کمال عدوان چپ، کمال ناصر بعثی و دیگران با گرایش‌های سیاسی متفاوت‌تر به این جنبش ملحق شدند. اما بعد از تشکیل دولت خودگردان، جنبش فتح در دولت فلسطین ادغام شد و از آن پس هر ناکامی‌ای که دولت خودگردان داشت به حساب این جنبش گذاشته می‌شد. این مسئله‌ای بود که مروان



البرغوثی، رهبر اسیر فلسطینی، نسبت به آن هشدار داد. برغوثی در آن زمان ریاست کمیته عالی در کرانه باختری را برعهده داشت و سعی می‌کرد هویت این تشکیلات و ساختار جنبش فتح را از دولت خودگردان دور نگه دارد. او در شهرها انتخابات را برگزار کرد اما با شروع انتفاضه دستگیر شد.

عرفات بعد از ترور اسحاق رابین متوجه شد توافق‌نامه «اسلو» به آخر خط رسیده و تشکیل دو دولت هرگز عملی نخواهد بود. وقتی کمیته قانون اساسی پیش‌نویسی را به او عرضه کرد لبخندی زده و دفترش را ترک کرد. وقتی از او خواستند آن را امضا کند،

با خنده‌ای گفت: «بگذارید ببینیم برادران خارج دراین‌باره چه می‌گویند». او همیشه بهانه‌هایی پیدا می‌کرد تا از امضای هر سندی که خلاف منافع فعلی فلسطین و جغرافیای آن بود، سر باز زند. او کاملاً یقین داشت اسرائیل اجازه تشکیل یک دولت فلسطینی را نخواهد داد. مسئولیت شکست مذاکرات کمپ‌دیوید را متوجه عرفات می‌کنند، حال آنکه او از ابتدا می‌دانست این توافق‌نامه را آمریکا با هماهنگی اسرائیل آماده کرده اما اسرائیل به آن عمل نخواهد کرد. عرفات در این توافق‌نامه، اسارت تازه‌ای بعد از اسارت خود در بیروت می‌دید. قبل از اینکه از کمپ‌دیوید برگردد، جورج تتنت، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا او را دید. آن زمان او به عرفات حرفی زد که باید همیشه آن را به یاد داشت. گفت: «جنب رئیس، فکر کن و به یاد داشته باش. تو به منطقه‌ای می‌روی که کاملاً متشنج بوده و مرزهایش در حال تغییر است. آنجا خودت را تنها در میان دریایی از خون می‌بینی. هیچ‌کس با تو تماس نخواهد گرفت. خوب فکر کن. آنچه را امروز روی میز گذاشتید به مجرد تمام‌شدن دوران کلیتون از بین خواهد رفت»!

عرفات برگشت. بارها از سوی اسرائیل و آمریکا در معرض حملات تبلیغاتی و سیاسی قرار گرفت. در رام‌الله به بدترین شکل محاصره شد بدون اینکه کسی با او تماس بگیرد یا کسی به فریادش برسد. منطقه ما چنان‌که همگان می‌بینند، دچار آشوب و هرج‌ومرج شد و مرزهایش نیز در آستانه تغییر قرار گرفت.

منبع: الخلیج

یادداشت

وضعیت مصر نگران‌کننده‌است

تحولات این چند روز مصر به‌ویژه در زمینه مسائل اقتصادی این کشور نگران‌کننده است. دولت تدابیری را اتخاذ کرده که بیانگر نیاز مبرم این کشور به اجرای اقداماتی به‌منظور مقابله با بحران‌های اقتصادی کشور است؛ بحران‌هایی که علائم آن از چند ماه پیش آشکار شده بود. کاهش ارزش پول ملی موجب افزایش بهای کالاهای اساسی، از جمله مواد غذایی شد و به صورت مستقیم بر زندگی میلیون‌ها مصری اثر گذاشت؛ کسانی که در چند دهه گذشته به حمایت‌های دولتی و سوبسیده‌ها برای تأمین کالاهای روزمره خود عادت کرده بودند.

تصمیم دولت به افزایش قیمت سوخت که از هفته گذشته شروع شد، این وضعیت را به طور طبیعی پیچیده‌تر خواهد کرد. البته این تصمیمی خودبه‌خودی نبود، بلکه عملی در پاسخ به برنامه صندوق بین‌المللی پول بود که قرار است ۱۲ میلیارد دلار وام در اختیار مصر بگذارد و درمقابل مصر نیز متعهد شده برای بهبود وضعیت اقتصادی خود تلاش کند.

دراین‌میان سیاست «شناورکردن پوند مصر» و «افزایش بهای سوخت»، از جمله تصمیمات کوتاه‌مدت دولت برای بهبود اوضاع اقتصادی است. مردم همواره به‌دنبال کوتاه‌ترین راه برای تأمین مایحتاج زندگی خود هستند، اما دولت برای تحقق خواسته‌های مردم با دشواری‌هایی مواجه خواهد بود. این در حالی است که باید به تعهدات خارجی خود نیز عمل کند.

مسئله‌ای که می‌تواند اوضاع را خطرناک‌تر کند، به‌ویژه در این برهه خاص از تاریخ مصر، تلاش یا سوءاستفاده برخی نیروهای داخلی و حاضر در صحنه است که بکوشند تا از پیامدهای این تصمیمات اقتصادی برای تحقق دستاوردهای سیاسی خود بهره‌برداری کنند. این امر به‌طور طبیعی کشور را وارد بحران عمیقی خواهد کرد که جز به‌نفع دشمنان مصر نخواهد بود.

این نگرانی هم‌اکنون درباره مصر و ثبات آینده آن وجود دارد و می‌تواند بازتاب‌های منفی خود را بر کل منطقه داشته باشد. به‌هرحال، مصر یکی از کشورهای مهم عرب است و هرگونه تحولاتی در آن بازتابی منطقه‌ای خواهد داشت. ازاین‌رو باید دست به اقداماتی حساب‌شده زد تا شیخ هرگونه مداخله‌ای را از این کشور دور کند. بحران اتفاقاتی می‌تواند مصر را دوباره به همان چرخه بحران‌هایی که از سال ۲۰۱۱ در این کشور شروع شد، بازگرداند.

نگرانی نسبت به آینده مصری‌ها و دوستان‌شان را بر آن می‌دارد تا نسبت به تحولات آینده این کشور هوشیار باشند. در این شرایط حساس هرگونه تصمیم اشتباه می‌تواند چرخه یک بحران بی‌پایان را بزند. این مسئله‌ای است که فقط به مصر منحصر نمی‌شود، بلکه آثاری بلندمدت برای دیگران نیز خواهد داشت، به‌گونه‌ای که در کل اعراب قادر به مهار آن نباشند. تصمیمات اقتصادی اخیر نباید راه را برای ورود هرج‌ومرج و آشوب به کشور باز کند.

به‌همین‌منظور باید دولت به‌دنبال راه‌حل‌ها و جایگزین‌های مناسبی باشد که بتواند زبان‌های ناشی از اجرای این تصمیمات را جبران کند؛ سیاست‌هایی که بتواند جلو تأثیرات منفی اجرای این برنامه‌ها را در آینده کوتاه‌مدت یا بلندمدت بگیرد.

منبع: الخلیج



آپ.س.

آیا نتیجه انتخابات آمریکا در دیگر کشورهای جهان نیز تکرار می‌شود

دومینوی پوپولیسم

پیامی روی توییت نوشت پیروزی دونالد ترامپ «آخرالزمانی برای دنیای اطلاعات، تلویزیون، روزنامه‌های بزرگ، روشنفکران و روزنامه‌نگاران است».

احتمال چرخش به راست در اتریش

در همان روز رای‌گیری در ایتالیا، برای اولین‌بار پس از جنگ جهانی دوم سیاست‌مدار دست‌راستی افراطی، «نوربرت هوفر»، نامزد ریاست‌جمهوری اتریش، ممکن است به رهبری یک کشور اروپای غربی انتخاب شود. در رای‌گیری ماه می «الکساندر فان در بلن»، یکی از سیاست‌مداران سابق حزب سبزها، با برتری آرای کمتر از یک درصد، در انتخابات ریاست‌جمهوری اتریش پیروز شد؛ اما به خاطر بروز مشکلاتی در شمارش آرای پستی، دیوان‌عالی کشور نتایج رای‌گیری را باطل کرد. بنابراین اتریشی‌ها برای انتخاب رئیس‌جمهور یک بار دیگر پای صندوق رای خواهند رفت. مقام ریاست‌جمهوری در اتریش تشریفاتی است؛ اما پیروزی هوفر برای حزب «آزادی» که یک حزب راست افراطی و مخالف مهاجرت است، می‌تواند پیروزی نمادین بزرگی باشد.

پشوری پوپولیست‌ها در هلند

«خیرت ویلدرز»، سیاست‌مدار ضداسلام هلندی، از پیروزی دونالد ترامپ اظهار خوشحالی کرده و در توییت خود یکی از شعارهای دونالد ترامپ را تقلید کرده است: «عظمت را به هلند بازمی‌گردانیم». انتخابات سراسری هلند، اولین انتخابات مهم در کشورهایی که قلب اتحادیه اروپا می‌شوند، روز ۱۵ مارس ۲۰۱۷ برگزار خواهد شد.

ویلدرز می‌گوید: «من هلند را به هلندی باز خواهم گرداند». این یادآور شعار موفق طرفداران خروج بریتانیا از اتحادیه اروپاست که در همه‌پرسی ۲۳ ژوئن به پیروزی رسیدند و در نتیجه آن، بریتانیا در مسیر خروج از اتحادیه اروپا قرار گرفت. براساس نتایج یک نظرسنجی که ششم نوامبر انجام شده، حزب «پوپولیست» مردم به رهبری ویلدرز، احتمالاً ۲۷ کرسی را در پارلمان هلند به دست خواهد آورد و بنابراین، با حزب «لیبرال» به رهبری نخست‌وزیر فعلی، در موقعیت برابری قرار خواهد گرفت.

حتی اگر حزب مردم نتواند در دولت ائتلافی آینده سهمی بگیرد، کماکان در عرصه سیاست هلند نیروی تأثیرگذاری خواهد بود. ویلدرز هم‌اکنون به اتهام ترویج خشونت‌های نژادی تحت محاکمه است.



موج پوپولیستی‌ای که ترامپ را بر قله قدرت بین‌المللی نشاند، از آمریکا آغاز نشده است و قطعاً در این کشور و با پیروزی ترامپ نیز پایان نمی‌پذیرد. هنوز جایزه بزرگ برای جنبش جهانی باقی مانده است که براساس نارضایتی سیاسی، اقتصادی و کله‌مندی فرهنگی شکل می‌گیرد و به احتمال زیاد پیروزی‌های بیشتری را برای مردمانی رقم خواهد زد که در تلاش هستند کم‌ر نظم جهانی کنونی را خم کنند



انقلاب فرانسه دیگری

«مارین لوپن»، رهبر «جبهه ملی» فرانسه، سیاست این کشور را به لزره آورده و انتظار می‌رود با آوردن رای کافی در دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه در ماه می ۲۰۱۷، به دور دوم راه یابد.

سیاست‌های ضدمهاجرت و ضداتحادیه اروپا حزب او در انتخابات محلی دسامبر ۲۰۱۵، بیش از ۲۷ درصد رای آورد، اما در نتیجه همکاری دو حزب اصلی فرانسه برای شکست‌دادن جبهه ملی، این حزب نتوانست کنترل هیچ‌یک از مناطق را به دست آورد.

اگر مارین لوپن در انتخابات ریاست‌جمهوری بعدی فرانسه به دور دوم برسد، انتظار می‌رود حزب راست میانه «جمهوری‌خواه» و حزب چپ میانه «سوسیالیست» همین تاکتیک را تکرار کنند.

مارین لوپن در پیامی در توییت، دونالد ترامپ را ستود و نوشت: «دنیاى جدیدی از راه می‌رسد و تعادل قواى جهانی تحت‌تأثیر پیروزی ترامپ، تغییر خواهد کرد». او درعين‌حال نخبگان حاکم بر فرانسه از جمله روزنامه‌های مهم این کشور را به خاطر حمایت از هیلاری کلینتون به سخره گرفت. میزان محبوبیت فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه، به نازل‌ترین سطح محبوبیت رؤسای‌جمهور این کشور پس از جنگ جهانی دوم تنزل یافته است.

لوپن تأکید می‌کند بریتانیایی‌ها با رای خود در همه‌پرسی برگزیت، «اولین گلوله را در نبرد علیه نخبگان صاحب‌امتیاز در اتحادیه اروپا شلیک کردند». او ابراز امیدواری کرد: «مردم فرانسه نیز در انتخابات سال آینده، فردی را با مشخصات دونالد ترامپ برای ورود به کاخ الیزه انتخاب کنند. ترامپ واقعا شگفتی‌ساز این دوره از انتخابات آمریکا بود؛ او درواقع غیرممکن را ممکن کرد. باید پیروزی ترامپ در انتخابات را پیروزی مردم بر نخبگان دانست». رهبر جبهه ملی فرانسه در بخشی دیگر از سخانش درباره موقعیت کنونی اتحادیه اروپا، ابراز امیدواری کرد که اروپایی‌ها بتوانند نظر خود را درباره این اتحادیه در یک همه‌پرسی به صورت آزاد بیان کنند.

نتایج نظرسنجی‌ای که به‌تازگی انجام گرفته است، نشان می‌دهد لوپن به

نفیسه کریمی؛ تا زمان اندکی پیش از آنکه آمریکایی‌ها جهان را با انتخاب «دونالد ترامپ» برای سمت ریاست‌جمهوری شوکه کنند، تاجر ثروتمند برزیلی که همواره به عنوان یک رئیس محبوب در تلویزیون ظاهر می‌شد، شهردار بزرگ‌ترین شهر آمریکای جنوبی شد. هم‌زمان در آن سوی جهان، در آسیای جنوب شرقی، یک تفنگدار قلدر که قسم خورده همه مجرمان را می‌کشد و اجساد آنان را تا زمانی که ماهی‌ها سیر شوند، به دریا بیندازد، برای رهبری ملتی صدمیلیون نفری انتخاب شد.

همچنین چندی پیش از آن در بریتانیا، رای‌دهندگان میانه‌رو در خواست کارشناسان و متخصصان را نادیده گرفتند و رای به خروج از اتحادیه اروپا دادند. کارشناسان و محققان سعی می‌کنند شرحی بر این هرج‌ومرج، بی‌نظمی و خشم داشته باشند تا بتوانند «لحظه سیاسی معاصر» را تعریف کنند. «یانکاج میشسرا»، نویسنده «خشم جهانی»، می‌گوید: بسیاری در آسیب‌شناسی ضدمدرنیسم به دنبال مقصر در خارج از جهان غرب هستند، آنها این پدیده را وارداتی، به‌ویژه از جهان اسلام می‌دانند. او تصریح می‌کند: سرطان امروزی واکنش به تغییرات اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر است که نگاهی خوش‌بینانه به جهانی‌شدن در دوران پس از جنگ سرد دارد. میشرا این واکنش را واکنشی مدرن به مدرنیته می‌داند و بر این باور است باید این رخدادها را این‌گونه دید و ارزیابی کرد «در پایان جنگ سرد ما وارد عصر تازه‌ای از معرفت‌شناسی شدیم و به فکر دموکراسی افتادیم و به دنبال ایجاد دموکراسی و حفظ آن بودیم. بایبید به این شرایط این‌گونه نگاه کنیم». این در حالی است که ناظران فکر می‌کردند دموکراسی محقق شده است، اما این امر را در نظر نمی‌گرفتند که دموکراسی هنوز در کش‌وقوس استقرار است. همگان تقریباً بر این نکته تأکید دارند رشد پوپولیسم در دنیای غرب سریع است و باید ریشه‌های آن شناسایی شود. «کاس مودی»، یکی از کارشناسان، در این زمینه می‌گوید: ریشه‌ها به پیش از رشد پوپولیسم بازمی‌گردد و باید آن را در تغییر جامعه اروپایی، سکولاریزاسیون و همچنین تضعیف جایگاه کارگر و رشد جوامع چندفرهنگی دانست. رشد جوامع با چند فرهنگ درواقع به نیت یکپارچگی اروپا صورت گرفت. به اعتقاد مودی، تقلیل رشد پوپولیسم به فاکتورهای مهاجرت و اقتصاد، تحلیل درستی درباره این مسئله ارائه نمی‌دهد.

«جوزف نای»، مشاور سابق رئیس‌جمهوری آمریکا، نیز در یادداشتی می‌نویسد در بسیاری از کشورهای غربی، سال ۲۰۱۶ میلادی سال جنگ علیه نخبگان بود. پیروزی کمپین انگلیسی خروج از اتحادیه اروپا، کاندیداتوری ترامپ و موفقیت احزاب پوپولیست در آلمان و دیگر کشورهای جهان، تنها نشان از آن دارد که دوران نخبگان به سر آمده است. «فیلیپ استفانز»، ستون‌نویس روزنامه «فایننشال‌تایمز»، می‌گوید: «نظم کنونی جهانی – حکومت لیبرال شکل‌گرفته در سال ۱۹۴۵ که پس از جنگ سرد گسترش یافت -تحت فشارهای بیشمارى قرار دارد. جهانی‌شدن در حال عقب‌نشینی است».

تهدیدی برای اروپا

«الرنس پیتو» در بی‌بی‌سی می‌نویسد: چند ماه پیش رای مثبت به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و بعد هم پیروزی تعجب‌آور دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، زلزله سیاسی‌ای که غرب را به لرزه درآورده اکنون رهبران دموکراسی‌های لیبرالی را در اروپا تهدید می‌کند. مخالفت ناسیونالیستی با مهاجرت به نقطه‌عطف رسیده است. سیاست‌مداران پوپولیست از سال ۲۰۰۸ به این‌سو روی نارضایتی مردم عادی از پیامدهای بحران اقتصادی، روند سریع جهانی‌شدن اقتصاد و نخبگان سیاسی و صاحبان امتیاز تمرکز کرده‌اند. به‌زودی آزمون‌های انتخاباتی مهمی برای احزاب و سیاست‌مداران قدیمی اتحادیه اروپا از راه خواهد رسید. آیا آنچه در برگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا) و انتخابات آمریکا روی داد، مثل سونامی سراسر اروپا را دربر خواهد گرفت؟

انتخابات سرنوشت‌ساز در ایتالیا

همه‌پرسی درباره اصلاحات قانون اساسی که روز چهارم دسامبر برگزار خواهد شد، اکنون به رای اعتماد به دولت چپ میانه به نخست‌وزیری «ماتئو رنتزی» می‌ماند. او تهدید کرده اگر در همه‌پرسی شکست بخورد، استعفا خواهد داد.

طبق این طرح، اختیارات مجلس سنا و دولت‌های محلی کاهش خواهد یافت. رنتزی می‌گوید این طرح هزینه‌های عمومی را کاهش می‌دهد و دولت مرکزی ایتالیا را باثبات‌تر خواهد کرد. اما مخالفان می‌گویند قدرت زیادی را در دست قوه مجریه متمرکز خواهد کرد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند نخست‌وزیر در این همه‌پرسی با خطر شکست تا تفاوت آرای ناچیزی رویه‌روست و در مقابل جنبش «پنج ستاره»، که گروه اصلی مخالف سیستم سیاسی فعلی است، تقویت خواهد شد.

در انتخابات محلی و ایالتی ژوئن ۲۰۱۶، جنبش پنج‌ستاره نتایج خوبی به دست آورد و اکنون شهرداری‌های رم و میلان را در کنترل دارد. این گروه مخالف اتحادیه اروپاست و خواهان انجام همه‌پرسی درباره عضویت ایتالیا در یورو است. «پیه گریلو»، کم‌دین سابق و بنیان‌گذار جنبش پنج‌ستاره، در